نشانه‌های ضعف یقین در امت

مؤلف: شیخ خالد حسینان (تقبله الله)

مترجم: صادق مهاجر

الحمد لله رب العالمين والصلاه و السلام علی اشرف خلقه و خاتم رسله سیدنا محمد و علی آله و صحبه و من اهتدی بهدیه الی یوم الدین، وبعد:

همانا عامل اساسی که باعث می‌شود، انسان به طور جدی و مستمر برای آخرت تلاش کند، یقین و اطمینانش به کسب ثواب و پاداش نیک در آخرت است. او به طور یقین می‌داند که روز پایانی وجود دارد و آن روز قیامت و حساب، روز بهشت و جهنم و صراط و میزان است. پس یقین قطعی‌اش باعث می‌شود که به کاری که الله متعال بدان خشنود می‌شود و از آن راضی است عمل کند و بر آن ثابت قدم باشد و به سرعت و رقابت وارانه به سمت خیرات در حرکت است.

پس این معادله و قاعده‌ای است که آن را همیشه در ذهن و قلبت نگه‌دار: هرگاه یقین به آخرت ضعیف شد، عمل و محصول برای آخرت ضعیف می‌شود و هرگاه یقین به آخرت قوی شد، عمل و محصول برای آخرت قوی می‌شود.

منظور از یقین و اطمینان، یقین به آخرت است. هرگاه بنده به دوباره زنده شدن، بازگشتن و هر آنچه در قیامت است، ایمان داشت، قلبش مانند منظرگاهی برای آن می‌شود، مانند اینکه آن را می‌بینند. الله متعال می‌فرماید:

(وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ) بقره 4

«و به روز رستاخیز اطمینان دارند.»

پس هنگامی که ایمان بنده بیشتر شد و یقین در قلبش رسوخ و جا گرفت، گویی که حقایق آخرت در روبرویش است و بهشت و جهنم را می‌بیند و زندگی، اخلاق، افکار، راه و شیوه‌اش و هر آنچه که در زندگی‌اش است تغییر می‌کند. بعضی از زاهدان گفته‌اند: «فکر نمی‌کنم کسی در مورد بهشت و جهنم شنیده باشد، و لحظه‌ای از حیاتش وجود داشته باشد که در آن با ذکر یا نماز یا قرائت قرآن یا احسان، به اطاعت از الله متعال نپردازد.»

در این مقاله از مرض خطرناك و کشنده‌ای حرف می‌زنم که افراد و امت‌ها را از بین برده است و آن ضعف یقین است. از نشانه‌هایش حرف می‌زنیم که انسان از آن برحذر و هوشیار باشد. همانا ضعف یقین باعث شده که بسیاری از مردم دچار مرض تنبلی و سستی شوند. با توفیق خداوند ﻷ از آن حرف می‌زنیم:

1- تنبلی در عبادت:

شکی نیست که تنبلی در عبادت یکی از نشانه‌های ضعف یقین است. پس هرگاه عدم رغبت، شوق، حرص و تعجیل برای عبادت مانند قرائت قرآن یا نماز ـ چه فرض یا نافله ـ در درونت باشد و یا کم کردن ذکر الله یا هر عبادتی که مربوط به حق الله یا حق مردم باشد از قبیل صله رحم و غیر از آن را در خود احساس کردی، بدان دچار بیماری به نام «ضعف یقین» شده‌ای.

همچنین عدم حرص در تطبیق سنت‌های روزانه یا عدم حرص به فضائل اعمال، همگی دلالت بر ضعف یقین دارند.

برایتان مثالی می‌زنم: اگر به مردم گفته شود: «هرکس به یکی از سنت‌ها عمل کند، به او مبلغ پولی داده می‌شود یا هرکس نماز صبح را به جماعت در مسجد بخواند، ارتقاء رتبه پیدا می‌کند یا هرکس هر ماه قرآن را ختم کند به او جایزه‌ای با ارزش داده می‌شود و مانند این مثال‌ها، در این حالت همه مردم را نسبت به این اعمال حریص می‌بینی و این به خاطر «قدرت یقین‌شان» نسبت به جایزه یا پولی است که به آن‌ها داده می‌شود و این رفتار به دلیل آن است که اکثر مردم ایمان‌شان به چیزهای محسوس و قابل دیدن نسبت به غیب بیشتر است، پس مال موجود است و آن را می‌بینند، اما جزاء اعمال در جهان غیب است.

اندک بودن دعاء و عدم حرص نسبت به آن دلیلی بر ضعف یقین است. زیرا هرکس به وعده الله تعالی به اجابت دعا ایمان داشته باشد، با تمام وجودش به دعا کردن می‌پردازد، زیرا می‌داند که الله بر هر چیزی قادر است.

(وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ) بقره 186

«و هنگامی که بندگانم از تو درباره‌ی من بپرسند (که من نزدیکم یا دور)، من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، پاسخ می‌گویم (و نیاز او را برآورده می‌سازم). پس آنان هم دعوت مرا (با ایمان و عباداتی همچون نماز و روزه و زکات) بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه یابند (و با نور ایمان به مقصد برسند).»

2- اعتماد به دنیا:

اطمینان به دنیا و فراموش کردن و غفلت از آخرت، باعث می‌شود که انسان همه وقتش را صرف این دنیا کند و فکرش، همّش، عملش و قلبش همه متعلق به دنیا باشد. پس او به دنیا راضی می‌شود و آن را بر آخرت مقدم می‌شمارد. پس هرگاه سخن می‌گوید به خاطر دنیا است و هرگاه ناراحت می‌شود باز

به خاطر دنیا است. برای آخرت یا عبادت پروردگارش وقتی ندارد، در روز مشغول کار و تلاش برای دنیاست و در شب مانند جنازه‌ای بی‌تحرک است. همان گونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم توصیفش را کرده است: **«جیفه باللیل حمار بالنهار عالم بدنیا جاهل بالاخره.»**

«مانند جنازه‌ای در شب و الاغی در روز است، نسبت به دنیا عالم و نسبت به آخرت جاهل است.»

و همانا ترک جهاد فی سبیل الله و اعتماد و تکیه بر دنیای فانی، یکی از نشانه‌های «ضعف یقین» است. به همین خاطر می‌بینیم وقتی صحابه ـ حتی کم سن و سالان صحابه که به سن بلوغ نرسیده بودند ـ یقین در قلب‌های‌شان رسوخ می‌کرد برای طلب شهادت و آنچه که خداوند برای شهدای راهش از نعمت‌های پایدار و درجات عالی آماده نموده است، به سوی میادین جنگ و قتال می‌شتافتند.

فسبحان الله! زن‌های صحابه برای جهاد در راه الله اشتیاق داشتند در حالی که امروزه بسیاری از صالحین و اصلاح گران و از اهل علم در این زمانه اشتیاقی برای رسیدن به درجات شهداء و مراتب مجاهدهین ندارند، إنا لله و إنا الیه راجعون! تصور نمی‌کنم شخصی وجود داشته باشد که کتاب «مشارع الاشواق» ابن نحاس را بخواند و نسبت به جهاد و شهادت اشتیاقی نداشته باشد، مگر اینکه به خاطر ضعف در یقینش باشد. والله اعلم

یکی از علت‌های عقب‌افتادگی مسلمانان «ضعف یقین» و عدم مقاومت در برابر اشغالگران سرزمین‌های مسلمین و بیرون نکردن آن‌ها از سرزمین‌هایشان است، که این خود دلیلی بر این بیماری است.

3- از نشانه‌های دیگرش آن چیزی است که نزد عموم مردم از انواع ترس مستمر و همیشگی و عدم اطمینانشان به پروردگارشان می‌بینی

آن‌ها را می‌بینی که از همه چیز می‌ترسند! از جانش و از اهل و اموالش و... او می‌ترسد که چیزی از آن‌ها را از دست بدهد، پس همیشه در حال نگرانی و ترس از فقر هستند. هرکس اطمینانش را به خدا از دست داد، خود را دچار اضطراب و نگرانی می‌کند و به پروردگارش سوء ظن دارد و حزن و ناراحتی‌اش افزایش پیدا می‌کند و از تحمل مشکلات عاجز می‌ماند.

4- عدم رضایت به قضا و قدر خداوند:

پس نسبت به آنچه که خداوند بر او مقدر کرده از بلاء یا مصیبت یا غیره ناخشنود است. و حال آنکه رضایت و خشنودی به قضاء خداوند موجب آرامش نفس و اطمینان قلب می‌شود و مؤمن واقعی

که با الله در ارتباط است، می‌داند که همه چیز به قضا و قدر است، پس صبر می کند و اجر و پاداش آن را می‌برد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«ذاق طعم الایمان من رضی بالله ربا و بالاسلام دینا و بمحمد رسولا»

«هرکس به پروردگاری الله و به دین اسلام و پیامبری محمد راضی باشد، طعم ایمان را چشیده است.»

و هنگامی که یقین عبد به پروردگارش کم شد، بر قلبش یأس و ناامیدی وارد می‌شود.

5- ارتکاب گناه:

ارتکاب هر آنچه از اقوال و اعمالی که الله بر مسلمان حرام کرده است. پس تصور نمی‌شود که شخصی به روز آخرت و به بهشت و جهنم ایمان داشته باشد و مشغول گناه باشد و بر آن مصر باشد. این امر هرگز امکان پذیر نیست؛ بلکه آنچه از معاصی و گناه انجام می‌دهد به خاطر ضعف یقین به آخرت است.

برای مثال: اگر پزشکی مسیحی به تو بگوید اگر از بعضی از خوردنی‌ها استفاده کنی، به فلان مرض دچار می‌شوی، متأسفانه بعضی از مردم را می‌بینی که کلام این پزشک را تایید می کنند و به آن مبادرت می‌ورزند و این خوردنی‌ها ـ در حالی که مباح هستند ـ را به خاطر ترس از بیماری رها می کنند.

پس ای مسلمان شایسته تو نیست که سخن الله متعال را تصدیق نکنی، در حالی که او راستگوترین سخنگویان است و تو را از ارتکاب گناه بر حذر می‌دارد تا دچار آتش جهنم و عذابش نگردی؟

به خدا سوگند و سپس به خدا سوگند کسی که یقین به روز قیامت در قلبش جای گرفته باشد به طوری که گویی بهشت و جهنم و قیامت را می‌بینند، هیچگاه دچار گناه نمی‌شود. بلکه این انسان به خاطر هر سخن و عملی خود را بازخواست می کند، حتی به خاطر هر آنچه که در قلبش می گذرد، خود را بازخواست می کند. او شدیداً به محاسبه نفس خود می‌پردازد و در نهایتِ پرهیزگاری و ترس از الله است. همه این‌ها بخاطر ثمرات یقین و اطمینان به آخرت است.

6- تعلق خاطر به غیر خداوند:

تعلق به غیر خداوند، خداوندی که همه آسمان‌ها و همه گنجینه‌ها و هستی در دست اوست، هیچ چیز در آسمان و زمین وجود ندارد که با او برابری کند و او بر همه چیز قادر و تواناست.

هر کس در قلبش عقیده به معانی ربوبیت و الوهیت و اسماء و صفات مستقر شده باشد و به آن به طور شایسته ایمان داشته باشد، قلبش به مخلوقات ضعیف، عاجز و ناقص که اولش نطفه‌ای ناچیز و آخرش جنازه‌ای متعفن می‌شود، تعلق پیدا نمی‌کند.

آیا شایسته است که فرد عاقل قلبش به مرده‌ای ناتوان تعلق خاطر داشته باشد و خداوند لا همیشه زنده و پایدار را رها کند؟!

درخواست کمک و طلب از غیر خدا و تعلق خاطر به مادیات و ظواهر دنیا و اعتماد بر آن‌ها و هر آنچه که مردم به سحر و شعبده‌بازی توجه می‌کنند و از آن‌ها درخواست شفاء و حل مشکلات‌شان می‌کنند و به فریاد خواندن مردگان و توسل به آن‌ها، نشانه‌ای از نشانه‌های ضعف یقین به خداوند لا است.

7- کاهش صبر نسبت به بلاء و مصیبت:

آدمی را همیشه در حال شکایت می‌بینی و حال اینکه آن برخلاف باوری است که ایمان‌داران به پاداش الله به صابرین دارند که می‌فرماید:

(إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ) زمر 10

«قطعاً به شکیبایان اجر و پاداششان به تمام و کمال و بدون حساب داده می‌شود.»

و الله با آن‌هاست.

8- ترجیح دادن رضایت مخلوق به رضایت خالق:

چنین انسانی بیشتر از مخلوق می‌ترسد تا از خداوند عظیم و به مخلوق امید بیشتری دارد تا به خداوند بخشنده و مهربان.

با این وجود اگر به این امر می‌اندیشید، می‌دانست که این مخلوقی که بدان امید دارد و از آن می‌ترسد، به دست الله متعال خلق شده است و نمی‌تواند کاری انجام بدهد مگر با اراده و خواست الله .

پس عظمت الله را در قلبت بالاتر و بزرگتر از هر چیز قرار بده، همه چیز نسبت به الله حقیر و کوچک است.

پس هرگاه همسرت یا رئیست یا هرکس دیگر، از تو درخواست کاری حرام داشتند، با تمام صراحت و بدون خجالت به آن‌ها بگو «رضای خداوند بالاتر از همه چیز است». پس هرکس برای راضی کردن مردم، خداوند را ناخشنود کند، به خاطر ترس از آن‌ها و امید به آن‌ها بوده است و هرکس

به خاطر آن‌ها واجبی را ترک کند و حرامی را به خاطر جلب رضایت آن‌ها انجام دهد، به خاطر ضعف یقین او می‌باشد.

9- وقت تلف کردن:

بدون اینکه فایده یا نتیجه امیدوار کننده‌ای داشته باشد، چه در سطح فردی و چه در سطح امت اسلامی، بسیاری از پسران و دختران جوان را می‌بینی که وقت‌شان را صرف خواندن مجله‌های بیهوده و شعرهای نامناسب می‌کنند و مشغول تماشا کردن شبکه‌های ماهواری حرام و فریبنده و هر آنچه که باعث غضب پروردگار می‌شود، هستند. اگر آن‌ها به حقیقت آنچه که بر سرشان در آخرت، قبر، و فشار آن، تنهایی روز حساب، سختی محشر، وحشت روز قیامت، جهنم و آتش و... فکر می‌کردند، هرگز قدم در کاری برنمی‌داشتند که باعث اتلاف وقت‌شان شود و در دنیا و آخرت‌شان فایده‌ای نداشته باشد. به همین خاطر این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم را یادآوری می‌کنم که می‌فرماید:

«لا تزول قدما عبد یوم القیامه حتی یسأل عن عمره فیم أفناه، و عن عمله فیم فعل فیه و عن ماله: من أین اکتسبه و فیم أنفقه، و عن جسمه فیم أبلاه»

«هیچ بنده‌ای روز قیامت قدمی برنمی‌دارد، مگر اینکه از عمرش سوأل می‌شود که در چه راهی صرفش کردی و از علمش پرسیده می‌شود که آن را در چه راهی صرفی کردی و از مالش پرسیده می‌شود که از چه راهی آن را بدست آوردی و در چه راهی آن را انفاق کردی و از جسمش پرسیده می‌شود که در چه راهی فرسوده‌اش ساختی.»

و سبحانک اللهم و بحمدک نشهد ألا إله إلا أنت نستغفرک ونتوب إلیک.